

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

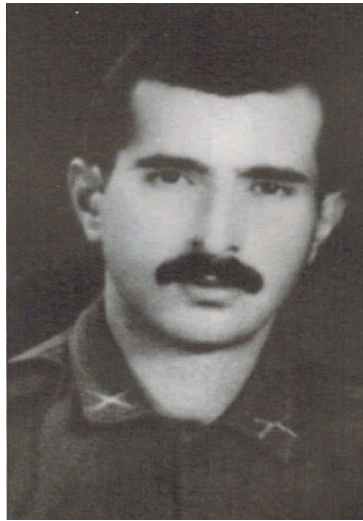
جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۷ جولای ۲۰۱۵

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم!

رفیق منوچهر بهائی پور



در نهم مهر [میزان] سال ۵۰، در شرایطی که چریکهای فدائی خلق به تازگی به تحقق تئوری مبارزه مسلحانه خود در جامعه دست زده بودند، در شرایطی که عملیات و حتی درگیری مسلحانه چریکهای فدائی خلق با نیروهای مسلح رژیم شاه، کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران را از وجود پیشاهنگی انقلابی در جامعه آگاه و آن ها را به مبارزه جهت رسیدن به خواست های طبقاتی خویش امیدوار می ساخت، رفیق کارگر، منوچهر بهائی پور با رزم دلاورانه اش، دین خود را به طبقه کارگر ایران ادا نمود.

این رفیق کارگر همراه با زن دلاور فدائی مهربان ابراهیمی، هنگامی که نیروهای سرکوبگر شاه برای دستگیری آن ها به یکی از پایگاه های چریکهای فدائی خلق در خیابان ابطحی تهران حمله نمود به جای تسلیم به درگیری مسلحانه با نیروهای مسلح رژیم پرداخته و حماسه جاودانه آفریدند. در این درگیری نابرابر، رفیق منوچهر در کنار رفیق مهربان ابراهیمی قهرمانانه جنگید و جانش را وثیقه ای برای تحقق آرمان های کمونیستی اش قرار داد. دو چریک فدائی قهرمان، این فرزندان پاک کارگران و زحمتکشان ایران در طی درگیری مسلحانه و نابرابر خود سرانجام با خون شان پرچم انقلاب ستم کشان علیه ستمگران را سرخ تر نمودند.

رفیق منوچهر کارگر شرکت تیلیفون لاهیجان بود که به دلیل ارتباط با رزمندگان سیاهکل، در همان سال ۴۹ از سوی ساواک شناسائی شد و به همین خاطر او به اجبار متواری گشته و زندگی مخفی در پیش گرفت.

رفیق منوچهر در جریان زندگی مملو از رنج و کار خود شاهد زنده شرایط اسفناک کار و زندگی رنجبران و حمایت علنی دولت از کارفرمایان بود و به عینه دیده بود که طبقه حاکمه با اعمال دیکتاتوری از اتحاد و تشکل کارگران جلوگیری کرده و هیچ صدائی جز صدای حامیان خود را بر نمی‌تابد. او با درک درست خود از شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه، با آگاهی بر درستی راه مبارزه مسلحانه تأکید کرده و به این مبارزه پیوست. پس از سازماندهی دسته جنگل، رفیق منوچهر از جمله رفقای بود که بی‌باکانه در نقش یکی از رابطین رفقای دسته جنگل با شهر تدارکات مورد نیاز آن‌ها را به دستشان می‌رساند.

در فروردین [حمل] سال پنجاه پس از حمله چریکهای فدائی خلق به کلانتری قلهک، ساواک شاه عکس‌ته رفیق را در رسانه های عمومی منتشر نمود و برای دستگیری هر یک از آنها صد هزار تومان جایزه تعیین کرد. یکی از این انقلابیون کارگر مبارز منوچهر بهائی پور بود. رفیق بهائی پور عضو تیم چریکی بود که با فرماندهی رفیق کارگر، اسکندر صادقی نژاد همزمان با عملیات کلانتری قلهک، دادستان دادگاه های نظامی شاه، تیمسار فرسیو جنایتکار را به سزای اعمالش رساندند.

از آن زمان تا مهر سال ۵۰ با این که این کارگر مبارز شدیداً تحت پیگرد قرار داشت اما لحظه ای از تلاش برای انجام وظایف انقلابی خود و گسترش مبارزه مسلحانه که به باور وی تنها راه رسیدن به آزادی بود، باز نماند. رفیق منوچهر در شرایطی که چریکهای فدائی خلق شدیداً زیر تهاجم دشمن قرار داشتند و چه به دلیل بی تجربگی الزامی آغاز راه جدید و چه به دلیل گذار از موقعیت یک گروه سیاسی به یک سازمان سیاسی - نظامی هر روز ضربه جدیدی از طرف دشمن بر آن‌ها وارد می‌آمد با چنگ و دندان از تشکل چریکهای فدائی خلق که مظهر آگاه طبقه کارگر بود دفاع نموده و راه پر فراز و نشیب این تشکیلات تا پیوند یافتنش با کارگران و پیروزی قطعی را هموار می‌نمود.

این واقعیتی انکار ناپذیر است که گرچه در جریان نبرد سهمگین چریکهای فدائی خلق با دشمن، یاران بسیاری به خون در غلتیدند اما این خون‌ها راه انقلاب را با سرخی الزامی اش در مقابل کارگران و ستمدیدگان گشودند؛ و به همین دلیل هم یاد و خاطره این پیشروان هرگز فراموش نخواهد شد. رفیق منوچهر مظهر یکی از آگاه‌ترین و فداکارترین کارگران مبارزی بود که فدائی وار جان خود را در راه رهائی طبقه اش نهاد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۷ ، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۴